

دانش نشانه‌شناسی و مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم

سید مهدی معلمی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۳۱

چکیده

در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، تبیین مفهوم پیشرفت اقتصادی بر پایه پارادایم‌های دینی در قرآن کریم، مبنای‌ترین مرجع تصمیم‌گیری است. بر اساس یافته‌های دانش نشانه‌شناسی هر یک از واژگان قرآن مجید، یک میدان معناشناسی دارند که در تداخل این میدان‌ها و ارتباط میان آن‌ها، مفاهیم و معانی کلمات قرآن بهتر و دقیق‌تر شناخته می‌شوند. در قرآن کریم واژگانی همچون سعه، تمکن، تمتع، استعمار، فتح برکات و حیات طیبه در حوزه کانونی مفهوم پیشرفت اقتصادی قرار دارند. در این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تکنیک‌های دانش نشانه‌شناسی به بررسی و تحلیل عناصر و جنبه‌های معنایی واژه‌های پیش‌گفته پرداختیم. نتایج پژوهش نشان داد که عناصر و مؤلفه‌هایی همچون رشد پایدار، ثبات و اقتدار، نشاط اجتماعی، امنیت پایدار، فقرزدایی، زندگی آسان، حفظ محیط زیست، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و.... برای مفهوم پیشرفت اقتصادی در فرهنگ قرآن کریم کشف می‌شود.

طبقه‌بندی JEL: A12, O1, O44, Q01, I3

کلیدواژه‌ها: پیشرفت اقتصادی، دانش نشانه‌شناسی، رشد و امنیت پایدار، ثبات و اقتدار، نشاط اجتماعی، حفظ محیط زیست.

* استادیار پژوهشگاه بین‌المللی املصطفی (ع)

۱- مقدمه

پیشرفت اقتصادی، به عنوان یک هدف، همواره مورد توجه ملت‌ها، مکاتب و جوامع مختلف بوده است. در چند سده اخیر الگویی از توسعه اقتصادی در جوامع غربی به وجود آمد که به لحاظ برخی اهداف، مبانی و سازوکارهای آن با مبانی و ارزش‌های اسلامی ناسازگار تلقی شد. به همین جهت در سال‌های اخیر ضرورت طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از سوی مسئولان نظام اسلامی کشورمان مطرح شد و جامعه علمی کشور به تبیین این امر مهم فراخوانده شدند.

مقام معظم رهبری (مد ظله) بر ضرورت تبیین مفهوم پیشرفت و این نکته که پارادایم‌های دینی به ویژه رهیافت وحی‌مبنایی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری نگاه مطلوب است، اشاره داشتند (بیانات معظم له در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۸ و ۱۳۸۸/۷/۲۸).

همچنین دانش‌ناشناسی که در قرن بیستم به عنوان یک دانش مستقل مطرح شد، دگرگونی‌های عمیقی در زمینه‌های گوناگون، مانند زبان‌شناسی، فلسفه و شاخه‌های گوناگون آن، مطالعات دینی و تفسیر متون مقدس و...، به وجود آورده و به زمینه‌ای اجتناب‌ناپذیر در این نوع مطالعات تبدیل شده است.

واژگانی همچون سعه، تمکن، تمتع، استعمار، فتح برکات در دنیا و حیات طیبه که در حوزه کانونی مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم است.

مقاله حاضر پس از مرور ادبیات پژوهش و تبیین محتوای دانش‌ناشناسی و روش کاربست آن در معناشناسی قرآن کریم، واژه‌های «سعه»، «استعمار»، «تمکن»، «فتح برکات» و «تمتع» را به عنوان واژگان کانونی حوزه معنایی پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم بررسی می‌کند. در ادامه با استفاده از تکنیک‌های دانش‌ناشناسی از همنشینی واژگان پیش‌گفته با «مراعَم»، «غنا»، و «فضل» و جاننشینی با «یسر» و تقابل با «بطر»، «فقر»، «اقتار» و «معیشت ضنک»، برخی مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در فرهنگ قرآن کریم را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

۲- ادبیات پژوهش

برای ورود به بحث مؤلفه‌های پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم لازم است مروری بر ادبیات مطرح در این زمینه داشته باشیم. ابتدا به ادبیات مربوط به دانش نشانه‌شناسی و روش کاربست آن در معناشناسی قرآن کریم پرداخته می‌شود و در بخش دیگر پیشینه علمی موضوع پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم ارائه خواهد شد.

۲-۱- محتوای دانش نشانه‌شناسی

گرچه عنوان می‌شود دانش نشانه‌شناسی^۱ ریشه در آثار فلاسفه یونان دارد و در میان مسلمانان نیز در مقدمه علم منطق و اصول فقه مباحثی از دانش نشانه‌شناسی مطرح شده است اما به هر تقدیر در قرن بیستم بود که دانش نشانه‌شناسی به عنوان یک دانش مستقل پدید آمد و به زمینه‌ای اجتناب‌ناپذیر در مطالعات دینی و تفسیر متون مقدس و... تبدیل شد. فردیناند دوسوسور^۲ زبان‌شناس سوئیسی و پدر دانش نشانه‌شناسی در مقدمه کتابش این دانش را اینگونه معرفی می‌کند: «دانش نشانه‌شناسی یعنی دانشی که از حیات اجتماعی نشانه‌ها بحث می‌کند، ولی در زمان ما وجود ندارد، و حق دارد که وجود داشته باشد».

(Chandler 2004, 5)

نشانه‌شناسی از هر نشانه‌ای بحث نمی‌کند. از آسمان و ستاره که دلیل بر وجود خداست بحث نمی‌کند بلکه تنها از نشانه‌هایی بحث می‌کند که در مقام ارتباط بشری به کار می‌روند؛ چه این ارتباط زبانی و چه غیر زبانی باشد. بنابراین زبان‌شناسی شاخه‌ای از علم همگانی نشانه‌شناسی است و قوانین نشانه‌شناسی در زبان‌شناسی نیز کاربرد خواهند داشت. در دانش نشانه‌شناسی نشانه تشکیل یافته از یک دال^۳ و یک مدلول^۴ است. نشانه توسط دال محقق نمی‌شود و تنها در رابطه‌ای تکمیلی با مدلول است که نشانه موجودیت می‌یابد.

1- Semiotics
2- Ferdinand de Saussure
3- Signifier
4- Signifiant

ارتباط دال و مدلول تابع ارزش^۱ نشانه است و تنها ارزش نشانه‌ای با در درون نظام جای داشتن تعریف می‌یابد.

مطابق این نظریه، واژگان یک زبان در حوزه‌های لغوی یا مفهومی، سامان پیدا می‌کنند و واژگان هر حوزه از ساختار مسجمی برخوردارند. هر یک از واژگان کانونی قرآن مجید، یک میدان معناشناسی دارند که در تداخل این میدان‌ها و ارتباط میان آن‌ها، مفاهیم و معانی کلمات قرآن بهتر و دقیق‌تر شناخته می‌شوند. (شهیدی، سید مهدی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸)

به عنوان مثال ایزوتسو^۲ با الهام از آموزه‌های دانش نشانه‌شناسی در کتاب «خدا و انسان در قرآن» توضیح داده است که چگونه قرآن یک انقلاب در جهان بینی عرب به وجود آورد و جهان بینی اعراب جاهلی را تغییر داد و مجموعه‌ای از نظام معنایی جدید را به عرب‌ها داد. این مجموعه نظام معنایی جدید را از کجا آورد؟ آیا قرآن واژه‌های جدیدی ساخت که معانی تازه‌ای داشتند و با آنها معانی جهان بینی نو را طراحی کرد؟ زبان عرب جاهلی، قبل از قرآن بود و دگرگونی‌های بسیاری داشت. وقتی به زمان و زبان قرآن می‌رسیم مقطع جدیدی آغاز می‌شود، که با مقاطع قبلی به طور کامل تفاوت دارد و یک نظام جدیدی در درون زبان عربی پیدا می‌شود. معانی واژه‌های قرآن از بیرون مشخص نشده‌اند، بلکه در درون خود قرآن مشخص می‌شوند. معنای یک واژه در تقابل و همنشینی با واژه‌های دیگر در قرآن باید کشف شود، به عنوان مثال ایزوتسو در کتاب «مفاهیم اخلاقی و دینی در قرآن» برای ریشه‌شناسی مفهوم «ایمان» در قرآن کریم، توصیف مشروحی از جریان تاریخی که مفهوم ایمان از آن زاده شد و بالیدن گرفت و در میان مسلمانان پرداختی نظری یافت، عرضه می‌کند و سایر مفاهیم بنیادین وابسته به آن را در شبکه‌های مفهومی ارائه می‌کند. (ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۷۸، صص ۴۱۳-۲۷۳)

گفتنی است این روش به نوعی در امتداد روش تفسیر قرآن به قرآن است که علامه سید محمد حسین طباطبائی (ره) آنرا اصیل‌ترین روش تفسیر قرآن می‌داند. اصولاً توجه به سیاق یعنی استفاده از نشانه‌هایی که معنای واژه مورد نظر را کشف کند (چه نشانه‌های لفظی و چه

1- Valeur

2- Toshihiko Izutsu

دانش‌نشان‌شناسی و مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم ۱۹۹

قرائن حالیه) در روش تفسیر قرآن به قرآن، یکی از ابزارهای کار است. روشی که مورد تأکید پیامبر اکرم (ص)^۱ و امامان معصوم (ع)^۲ بوده است. روایات تفسیری ایشان نیز به طور گسترده‌ای مشتمل بر استفاده از آیه‌ای برای تفسیر آیه دیگر و یا استفاده از معنای واژه‌ای برای دریافت معنای واژه دیگر است. (طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۸۷)

۲-۲- روش کاربردی اصول نشان‌شناسی در معناشناسی قرآن کریم

دریافت ساخت معنایی واژه‌ای در قرآن کریم بر پایه دانش نشان‌شناسی به هفت طریق انجام می‌شود که به طور خلاصه عبارتند از:^۳

تعریف بافتی یا تعریف متنی یعنی واژه‌ای در آیه‌ای می‌آید و آنگاه عبارتی آن را توصیف یا تعریف می‌کند. مانند واژه «بر» که در این آیات به خوبی توصیف شده است:

«لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»

نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد، و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد، و نماز را برپای دارد، و زکات را بدهد، و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزگارانند. (بقره: ۱۷۷)

۱- ان القرآن لیصدق بعضه بعضا (هندی، متقی بن حسام الدین، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۶۱۹، حدیث شماره ۲۸۶)

۲- امام علی (ع): کتاب الله، تبصرون به و تنطقون به و تسمعون به و ينطق بعضه ببعض و يشهد بعضه على بعض (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳)

۳- ر.ک. ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۸۸، صص ۷۲-۸۳

مواردی که واژه‌ای همراه با مترادف‌هایش در آیه‌ای می‌آید. مانند واژه‌های «حسنه» و «سراء» در آیات زیر:

«ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ» آن گاه به جای بدی، نیکی قرار دادیم تا انبوه شدند و گفتند: «پدران ما را هم رنج و راحت می‌رسیده است. (اعراف: ۹۵)

مواردی که معنی واژه‌ای از واژه متضاد آن معلوم می‌شود مانند واژه‌های «حسنه» و «سیئه» در آیه پیش گفته.

جایی که معنی واژه‌ای را صورت منفی آن واژه روشن می‌کند که در آن ساخت معنایی یک واژه مبهم (X) را صورت منفی آن (X نیست) روشن می‌سازد مانند عبارت «لا يُؤْمِنُونَ» برای روشن ساختن معنای «کافر» در آیات زیر:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْتَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی‌کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی ایمان نخواهند آورد. (بقره: ۶)

مواردی که تقارن الفاظ بایکدیگر یک گروه یا ترکیب یا حوزه معنایی را به وجود می‌آورد. به عنوان مثال در قرآن کریم عبارت «مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» یک مجموعه عبارتی را تشکیل می‌دهد که بارها تکرار شده است (آل عمران: ۹۴، الأنعام: ۲۱، ۹۳، ۱۴۴، الأعراف: ۳۷، یونس: ۱۷، هود: ۱۸، الکهف: ۱۵، المؤمنون: ۳۸، العنکبوت: ۶۸، الصف: ۷) و همین روشن می‌سازد که سه واژه افترا- کذب- ظالم یک گروه یا ترکیب یا حوزه معنایی را تشکیل می‌دهند.

ترادف عبارات یعنی واژه‌هایی در یک بافت واحد می‌آیند و بدین طریق میان آنها ارتباط معنایی ایجاد می‌شود. به عنوان مثال سه واژه کافر، ظالم و فاسق در سه عبارت زیر از جهت حکم نکردن طبق احکامی که خدای متعال فرو فرستاده است از نظر معنایی هم‌تراز قرار داده شده‌اند.

مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (مائده: ۴۴)

دانش نشانه‌شناسی و مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم ۲۰۱

وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (مائدة: ۴۵)

وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (مائدة: ۴۷)

به این ترتیب آشکار می‌شود که این سه واژه، وجه خاصی از یک حوزه معنایی وسیع‌تر را تعریف و توصیف می‌کنند.

به کار رفتن واژه‌ای در بافت غیر دینی که معنی غیر دینی آن واژه را معلوم می‌کند. مانند واژه «کافر» در آیات زیر که در گفته فرعون آمده است و معنای غیر دینی آن را مشخص می‌کند:

«قَالَ أَلَمْ تُرَبِّكْ مِنَّا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ مِنَّا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ» فرعون گفت: «آیا تو را از کودکی در میان خود نپروردیم و سالیانی چند از عمرت را پیش ما نماندی و [سرانجام] کار خود را کردی، و تو از کافرانی (ناسپاسانی)» (شعراء: ۱۸-۱۹)

خلاصه آنکه بنا بر اصول دانش نشانه‌شناسی برای دریافت صحیح مفاهیم قرآن کریم ناگزیر از فراهم آوردن آیات، مقایسه کردن، و قرار دادن همه اصطلاحات مشابه، متضاد و معادل در ارتباط با یکدیگر هستیم.

۳- پیشینه علمی

با وجود تلاش‌هایی که در دهه‌های اخیر توسط اندیشمندان مسلمان در زمینه مباحث اقتصادی قرآن کریم صورت گرفته است اما مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم با تکیه بر آرایه‌های ادبی و مباحث دانش نشانه‌شناسی، چندان مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است و این خلأ در سایر مباحث مربوط به الگوی پیشرفت اسلامی نیز به چشم می‌خورد.

در یکی از مطالعات انجام گرفته در زمینه پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم، محمد محمدی ری شهری (۱۳۸۰) در کتابی تحت عنوان «التنمية الاقتصادية في الكتاب والسنة»،

توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث را در محورهایی چون: اهمیت پیشرفت اقتصادی، پایه های توسعه، مبانی توسعه و موانع و آفات آن، بررسی نموده است.

علی اخترشهر (۱۳۸۶) در کتاب «اسلام و توسعه» مدعی است رشد (پیشرفت) از نظر قرآن و سنت حالتی از شکوفایی های جسمانی، روحانی، اخلاقی و عرفانی است. توسعه به معنای توسعه اخلاقی، روحی و مادی فرد و جامعه است که به حداکثر رفاه اقتصادی و اجتماعی و سعادت نهایی انسان منجر شود.

سید مهدی زریباف (۱۳۸۶) در مقاله «نظری بر اندیشه توسعه عدالت محور» با توجه به آموزه های اسلامی در رابطه میان عدالت تکوینی (عدالت تنظیمی) و عدالت تشریحی (عدالت حقوقی) در ابعاد فردی و اجتماعی و حکومتی، مدعی است بر اساس دیدگاه و تفکر اسلامی شیعی، به نسبت تحقق مراتب عدالت اقتصادی توسعه اقتصادی نیز حاصل شده است.

محمد جواد توکلی (۱۳۹۰) در مقاله «روش شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی» در بحث کوتاهی به مفهوم شناسی توسعه در قرآن کریم می پردازد و مفاهیم عمران، برکات، حیات طیبه و بلده طیبه را به عنوان جایگزین مفهوم توسعه در قرآن کریم مطرح می نماید. او به این جمع بندی می رسد که مردمانی که دارای حیات طیبه هستند در بلده طیبه زندگی می کنند و یکی از ویژگی های این بلده طیبه آن است که عمران و آبادانی به صورتی خارق العاده در آن تجلی پیدا می کند. در این چارچوب واژه تعالی به بعد انسانی پیشرفت در بلده طیبه اشاره دارد.

سید رضا حسینی (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «توسعه کوثری در چارچوب اخلاق الهی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی» نشان داده است؛ دو نوع توسعه اقتصادی وجود دارد که یکی ممدوح (توسعه کوثری) و دیگری، مذموم (توسعه تکاثری) است. «توسعه کوثری» در درون خود، متضمن رشد مستمر تولید، پیشرفت فنی، شکوفایی علمی و فراوانی امکانات رفاهی است، اما در عین حال، بر اخلاق و ارزش های الهی نیز مبتنی است. از این رو، نه تنها امری مجاز که واجب است. ایشان برخی مختصات نظری چنین

دانش نشانه‌شناسی و مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم ۲۰۳

توسعه‌ای را در حوزه‌های مختلف از جمله در تولید، توزیع و مصرف، بیان نموده و معتقدند با تلاش علمی بیشتر در گزاره‌های ارزشی و دانشی اسلام، می‌توان الگویی کامل از چنین توسعه‌ای را طراحی و اجرا کرد.

سید حسین میرمعزی (۱۳۹۲) در مقاله «مفهوم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» یکی از خصوصیات جامعه آرمانی اسلام را «برخورداری آحاد مردم از زندگی گوارا» معرفی می‌کند. این مفهوم که تعبیر دیگری از پیشرفت اقتصادی است دارای پنج عنصر سلامتی، امنیت، وسعت روزی، روابط سالم اجتماعی و آسایش است.

محمد رحیم عیوضی (۱۳۹۲) در مقاله «پارادایم تعالی و مؤلفه‌های الگوی پیشرفت و توسعه» هدف غایی پیشرفت و تعالی در اسلام را سعادت ملت و تقرب به خداوند می‌داند. از نظر او پیشرفت اقتصادی زمینه لازم سعادت و تقرب به خداوند است و تحقق آن از دیدگاه اسلام برقراری نسبتی متقابل، نمادین و دورانی از امنیت، عدالت و عمران و آبادانی در جامعه است.

در مقاله حاضر تلاش می‌شود با استفاده از فنون دانش نشانه‌شناسی، مفهومی ناب با تمرکز بر واژگان قرآنی و به دور از هرگونه تحمیل و التقاط از ویژگی‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در فضای معنایی قرآن کریم تبیین شود. تفاوت این نوشته با پژوهش‌های پیشین کاربست روش نشانه‌شناسی در تعریف پیشرفت اقتصادی از منظر قرآن کریم است.

۵- بسامدی واژگان در حوزه معنایی پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم

ماهیت پیشرفت بر تغییر و حرکت و جهت آن (هدف) استوار است. آنچه در دیدگاه قرآنی مد نظر است؛ پیشرفت به معنای تکامل است. در مفهوم تکامل، تعالی نهفته است یعنی تکامل حرکتی رو به بالا و عمودی است. تکامل، حرکت از سطحی به سطح بالاتر است. آنگاه که جامعه از مجموعه‌ای معین از ویژگی‌های اجتماعی به مجموعه‌ای دیگر از ویژگی‌های اجتماعی منتقل می‌شود که هم‌زمان آرمان‌ها و هدف‌های زندگی را بیشتر تأمین می‌کند؛ این جامعه پیشرفته به معنای تکامل یافته است. (ر.ک مطهری، مرتضی،

بی تا، ص ۱۲-۱۳) بر این اساس پیشرفت اقتصادی آن گاه محقق می شود که نظام اقتصادی فرد و جامعه را به سوی کمال مطلق یعنی قرب الهی در پرتو عبودیت و کسب فضایل انسانی، مساعدت بیشتری نماید.

بر این اساس در قرآن کریم واژگانی همچون سعه، تمکن، تمتع، استعمار، فتح برکات و حیات طیبه در حوزه کانونی مفهوم پیشرفت اقتصادی قرار دارند.

«سَعَه» از ریشه «وسع» به معنای اسم مصدری ۱ به کار می رود. ریشه وسع در قالب ترکیبات مختلف ۳۲ بار در ۲۹ آیه از قرآن کریم وجود دارد. در این میان ۱۳ بار در موارد غیر اقتصادی و ۱۹ بار در امور اقتصادی به کار رفته است. در موارد غیر اقتصادی درباره گستره وسیع صفات علم و رحمت و مغفرت و قدرت الهی (بقره: ۲۵۵، انعام: ۸۰ و ۱۴۷، طه: ۹۸، غافر: ۷، اعراف: ۸۹ و نجم: ۳۲)، وسعت زمین و آسمان (نساء: ۹۷، عنکبوت: ۵۶، زمر: ۱۰ و ذاریات: ۴۷) و همچنین مطلق توانایی اعم از اقتصادی و غیر اقتصادی مطرح شده است (بقره: ۲۸۶ و اعراف: ۴۲) به کار رفته است.

در سایر موارد یعنی ۱۹ بار ترکیبات مختلفی از ریشه وسع در امور اقتصادی به کار رفته است که ۱۰ مورد آن در باره وسع اقتصادی مردم (بقره: ۲۳۳ و ۲۳۶ و ۲۴۷، نساء: ۱۰۰ و ۱۳۰، انعام: ۱۵۲، مؤمنون: ۲۳، نور: ۲۲ و طلاق: ۷) و در ۹ مورد نیز اشاره به این دارد که وسع اقتصادی به دست خدای متعال است و اوست که واسع و موسع است. (بقره: ۱۱۵ و ۲۶۱ و ۲۶۸، آل عمران: ۷۳، مائده: ۵۶، اعراف: ۱۵۶ و نور: ۳۲) بدین ترتیب در اکثر موارد ریشه «وسع» در ارتباط با امور اقتصادی مطرح شده است.

واژه «تمکن» از ریشه «مکن» و مصدر باب تَفَعَّل است. ۲ ریشه «مکن» ۱۸ بار در قرآن کریم به کار رفته است که در ۹ مورد به معنای مطلق سلطه و استقرار به کار رفته است (أنفال: ۷۱، یوسف: ۲۱، یوسف: ۵۶، کهف: ۸۴، حج: ۴۱، مؤمنون: ۱۳، نور: ۵۵، مرسلات:

۱- بسط، پیشرفت، گسترش، وسعت

۲- باب تفعّل در معانی مطاوعه، تکلف، اتخاذ، طلب، تدریج، تجنب، صیوروت، شکایت و معنای ثلاثی مجرد به کار می رود. (طباطبائی، سید محمدرضا، ۱۳۶۱، صص ۹۹-۱۰۰)

دانش‌نشان‌شناسی و مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم ۲۰۵

۲۱، تکویر: ۲۰) و در ۹ مورد دیگر نیز به معنایی در ارتباط با امور اقتصادی به کار رفته است. (انعام: ۶، أعراف: ۱۰، یوسف: ۵۴، کهف: ۹۵، قصص: ۶ و ۵۷، أحقاف: ۲۶) واژه «تمتع» از ریشه «متع» و مصدر باب تَفَعَّل است. ریشه «متع» در ۶۵ آیه به کار رفته است که به جز یک مورد (بقره: ۱۹۶) در سایر موارد در معنای اقتصادی به کار رفته است.

واژه «استعمار» از ریشه «عمر» و مصدر باب استفعال است. ۱ ریشه «عمر» ۲۷ بار در قرآن کریم به کار رفته است که تنها ۳ مورد از آن مربوط به آبادانی اقتصادی است (هود: ۶۱، روم: ۹)

واژه «برکات» جمع «برکت» از ریشه «برک» است که این ریشه در ۳۲ آیه قرآن کریم به کار رفته است. در این میان ۸ مورد به معنایی در ارتباط امور اقتصادی است. (اعراف: ۹۶ و ۱۳۷، هود: ۴۸، انبیاء: ۷۱ و ۸۱، سبأ: ۱۸، فصلت: ۱۰، ق: ۹) عبارات حیات طیبه (نحل: ۹۷) و بلد طیب (اعراف: ۵۸ و سبأ: ۱۵) نیز در قرآن کریم به معنایی مرتبط با اهداف اقتصادی جامعه آرمانی اسلام به کار رفته است.

یادآور می‌شویم برخی واژه‌ها در همه زبانها گرایش شدیدی به ترکیب با برخی از واژه‌های دیگر در بافتهای کاربردی خود نشان می‌دهند. هر واژه‌ای برای خود یارانی گزیده دارد تا آنجا که سراسر واژگان یک زبان به صورت شبکه پیچیده‌ای از گروه‌بندی معنایی در می‌آید که باز کردن این شبکه پیچ در پیچ از وظایف مهم معناشناس است. در این مجال تنها آیاتی که دارای اهمیت معنایی خاص باشند و به عنوان بافت ویژه‌ای که حداقل یکی از جنبه‌های هفتگانه پیش گفته را در بر داشته باشند و بخشی از مفهوم پیشرفت اقتصادی را روشن سازد بحث می‌شود و آیاتی که از نظر معناشناسی تأثیر چندانی ندارند بررسی نمی‌شوند.

۱- باب استفعال در معنای طلب، تحول، مفعول را بر صفتی یافتن، مفعول را بر صفتی متصف کردن، تکلف، مطاوعه و

معنای ثلاثی مجرد به کار می‌رود (طباطبائی، سید محمدرضا، ۱۳۶۱، صص ۱۰۵-۱۰۶)

۵- مؤلفه‌های پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم

۵-۱- امنیت پایدار

یکی از عناصر مهم در ساختمان معنایی مفهوم «پیشرفت»، «امنیت پایدار و نبود مانع برای رشد و بالندگی در امور مادی و معنوی» است. در یکی از آیات قرآن کریم که واژه «سعه» در مفهوم اقتصادی خودش به کار رفته است، این واژه عطف به کلمه «مُرَاعِمًا كَثِيرًا» شده است:

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (نساء: ۱۰۰)

و هر کس که در راه خدا هجرت کند، در زمین مکان‌های امن فراوان و فراخی معیشت خواهد یافت و هر کس [بعنوان] مهاجرت به سوی خدا و فرستاده او، از خانه‌اش بدر آید، سپس مرگ او را فرا گیرد، پس بیقین پاداشش بر خداست و خدا، بسیار آمرزنده مهرورز است.

هم نشینی واژه «سعه» و «مراعِم» بافت معنایی ویژه‌ای را تشکیل می‌دهد که نشانگر نزدیکی این دو معنا به یکدیگر است و عضویت هر دو در یک حوزه معنایی وسیعتر است. «مراعِم» اسم مکان از «رغام» به معنی خاک نرم است. «اراضی مراغمه» در مقابل زمینهای سخت و صعب العبور است که در این آیه به تناسب محیط اجتماعی انسان کنایه از سرزمین‌های امن و مطمئنی که موافق زندگی مادی و متناسب با حیات معنوی و انسانی‌اند و از کسانی که مخالف و مانع اعمال اراده انسان در برنامه‌های مادی و روحانی زندگی هستند خالی است. (ر.ک. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۷۴)

مشکل مسلمانان برای هجرت از مکه به مدینه، جدا شدن از وطن و فاصله گرفتن از امکانات اقتصادی (دامداری و کشاورزی و تجارت و ...) و از دست دادن موقعیت اجتماعی خویش بود.

دانش‌نشان‌شناسی و مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم ۲۰۷

در این آیات خدای متعال آن دسته از مستضعفینی که برای مقابله با شرایط سخت تحمیلی مشرکان در جهت تحصیل رضای الهی و حفظ دین از همه تعلقات مادی گذشته و با دست خالی و مشقت فراوان و با توکل به خدای متعال راه هجرت را برگزیدند؛ به عظمت یاد کرده و آنان را به زندگی در امنیت و اطمینان و متناسب با حیات معنوی و انسانی و همچنین همراه با رفاه مادی و گشایش در معیشت وعده می‌دهد.

عطف واژه «سعه» به «مراغم» نشانگر اینست که در فرهنگ قرآن کریم پیشرفت اقتصادی همراه با امنیت پایدار در امور مادی و معنوی است به گونه‌ای که مانعی از تعالی و رشد و کسب فضایل در امور مادی و معنوی نباشد. جا دارد این نکته را یادآور شویم آنچه از بافت معنایی پیش‌گفته برداشت شد کاملاً همسو با «اصل آزادی مسئولانه» در آموزه‌های اقتصاد اسلامی است زیرا «مراغم» کنایه از نبود مانع در فعالیت‌های انسان در امور مادی و معنوی است. این اصل در قالب‌های دیگری همچون «اصل اباحه» و «قاعده تسلط» در فقه بروز و ظهور یافته است. پُر پیداست مقصود از آزادی در این بحث به معنای آزادی فلسفی که در مقابل جبر فلسفی باشد، نیست؛ بلکه آزادی حقوقی است؛ یعنی انسان در عرصه‌های اجتماعی از جمله در عرصه اقتصاد، آزاد است تا آنچه را سعادت و لذت پایدارتر و گسترده‌تر می‌داند، دنبال کند و همچنین آزادانه و عاقلانه می‌کوشد تا از درد و آلم به دور باشد. اگر انسان، هم به دنبال سعادت دنیایی و هم سعادت آخرتی باشد و آن را آزادانه دنبال کند، لوازمی دارد که آزادانه به لوازم آن ملتزم خواهد شد. آزادی برای انسان از دیدگاه اقتصاد اسلامی حق است؛ اما بهره‌مندی از این حق، تکالیف و مسؤولیت‌هایی را در روابط فردی و اجتماعی ایجاد می‌کند. همه این تکالیف و مسؤولیت‌ها برای دو چیز است یکی برای حفظ و صیانت از آزادی همه انسان‌ها و دیگری برای این که همه انسان‌ها به سعادت برتر دست یابند. (یوسفی، احمد علی، ۱۳۸۶، ص ۳۴۱-۳۶۳)

۲-۵- نشاط اجتماعی

یکی دیگر از جنبه‌های پیشرفت اقتصادی در فرهنگ قرآن کریم، توانگری همراه با نشاط اجتماعی است که از همنشینی واژه «سعه» با «غنا» در این آیه فهمیده می‌شود:

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلاًّ مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعاً حَكِيمًا (نساء: ۱۳۰)
و اگر [زن و شوهر راهی برای صلح و سازش نیافتند و] از یکدیگر جدا شوند، خدا هر یک را از گشایش بی‌نیاز می‌کند و خدا خدا گشایشگری فرزانه است.

غنا به معنای عدم احتیاج در جمیع جهات مادی همراه با نوعی سرور و شادی و نشاط است و از نشانه‌های آن رفع صوت و آواز است و به همین جهت به زن آوازه خوان «غانیه» گفته می‌شود. (ر.ک. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۲۷۴-۲۷۵)

همنشینی واژه «غنا» و «سعه» روشن می‌سازد که پیشرفت اقتصادی از سویی باید مشتمل بر تأمین تمامی نیازهای واقعی اعضای جامعه باشد و از سوی دیگر با نوعی سرور و شادی و نشاط همراه باشد. تأکید بر افزایش ثروت بدون در نظر گرفتن این نکته که آیا افراد جامعه از زندگی خود لذت می‌برند یا نه، منجر به افسردگی، افزایش بزه، مشکلات اخلاقی، نابودی کانون خانواده و بسیاری از پیامدهای دیگر کمبود نشاط اجتماعی در جامعه می‌شود. تعادل بین دنیا و آخرت یکی از مهمترین و برجسته‌ترین ویژگی‌های فرهنگ اسلام است که سبب می‌شود ارتباط اجتماعی بسیار منظم، منسجم و پویا تنظیم شود. کاهش نشاط و شادابی سبب کاهش کارایی و بهره‌وری و تحول و نوآوری در جامعه می‌شود.

واژه «تمتع» نیز که با مشتقاتش ۲۷ بار در قرآن کریم به کار رفته است در حوزه معنایی مفهوم پیشرفت اقتصادی است. معنای اصلی این واژه نیز انتفاع و لذت است که به نوعی اشاره به مفهوم نشاط و شادابی دارد. (ر.ک. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص: ۱۳)
همچنین باید توجه داشت که در قرآن کریم صفت «استغناء» که به نوعی در تضاد با اصل توحید افعالی است به شدت مذمت شده و سبب طغیان و سرکشی شمرده شده است. (علق: ۶-۷) اما «غنا» در آیات قرآن کریم و ادعیه مأثوره امر مطلوبی است که از نشانه‌های فضل و رحمت عام خدای متعال بر بندگانش است.^۱

۱- وَآتُوا الْآيَاتِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِيمَانِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا قُرَّاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور: ۳۲)

حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نور: ۳۳)

وَ مَا نَقْمُوا إِلَّا أَنْ أُغْنَاهُمْ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ (توبه: ۷۴)

دانش‌نشان‌شناسی و مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم ۲۰۹

بنا بر آموزه‌های دینی، شرط لازم نشاط و شادابی حقیقی؛ گناه نکردن، توکل، تقوا، نوع‌دوستی، حسن خلق، عقلانیت و هدفمندی در زندگی است. (ر.ک محمدی ری‌شهری، محمد، ج ۵، صص ۲۷۵-۲۸۰) نخوت و سرمستی ناشی از ثروت و دنیازدگی در قرآن کریم مذموم است و از زمینه‌های هلاکت اقوام شمرده شده است.

وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فِتْلَكَ مَسَاكِينِهِمْ لَمْ تَسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ (قصص: ۵۸)

و چه بسیار شهرها را به خاطر نخوت و سرمستی‌شان از نعمت معیشت ویران ساختیم و این مسکنهای آنهاست که بعد ایشان، جز اندکی در آن سکونت نمی‌کنند و ما وارث آن هستیم.

واژه «بطر» و «طرب» اشتقاق کبیر دارند و «بطر» به معنای زیاده‌روی و خروج از حد اعتدال در خوشگذرانی است و بلیغ‌تر از «طرب» است (مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، ج ۱، ۲۸۷) این واژه هنگامی که در قالب فعل به کار می‌رود تقریباً معنای سرمستی و نخوت به لحاظ داشتن ثروت یا چیزهای دیگر دارد. (ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷)

۳-۵- پس‌انداز و سرمایه‌گذاری

یکی دیگر از واژگانی که با «سعه اقتصادی» در قرآن کریم هم‌نشین شده است واژه «فضل» است.

وَ لَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أَوْلِيَ الْقُرْبَىٰ وَ الْمَسَاكِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَا تَجِبُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ (نور: ۲۲)

و از میان شما صاحبان (ثروت) افزون، و وسعت (در زندگی)، نباید در مورد (کمک مالی) دادن به نزدیکان و بینوایان و مهاجران در راه خدا کوتاهی کنند. (و در مورد یاری نکردن) سوگند نخورند) و باید ببخشند و درگذرند آیا دوست نمی‌دارید که خدا شما را بیامرزد؟! و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است

وَ اتَّكِحُوا الْآيَامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور: ۳۲)

همنشینی واژه «سعه» با «فضل» در این آیه نشانگر نزدیکی معنای این دو است. در آیات دیگری نیز وسعت معیشتی که از سوی خدای متعال به بندگان اعطاء می‌شود را در کنار واژه «فضل» آورده است.^۱ فضل به معنای زیاده از حد لازم است. (مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۰۶) بنابراین پیشرفت اقتصادی در فرهنگ قرآن معنایی فراتر از تأمین مایحتاج زندگی دارد به گونه‌ای که پس از کسر مخارج و هزینه‌ها از درآمد، مقداری به عنوان مازاد باقی بماند.

در آموزه‌های قرآن کریم مازاد درآمد و به تعبیر دیگر پس‌انداز نباید به کنزسازی (راکد گذاشتن سرمایه) بینجامد^۲ بلکه باید در در راه‌های خداپسندانه اعم از مصارف شخصی، مشارکت‌های اجتماعی و سرمایه‌گذاری در جهت تأمین نیازهای شخصی آینده، تأمین نیازهای آتی فقرا، افزایش توان تولیدی جامعه و تحصیل قدرت انفاق و ایجاد اشتغال صرف شود. (ر.ک سید رضا حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷-۱۱۰)

بر این اساس در منابع اسلامی به‌طور مستقیم با عنوان‌هایی مانند عمران^۳، توفیر المال، اصلاح المال، استثمار المال، رأس المال و احیاء و مانند آن، مسأله پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مورد تشویق قرار گرفته است. در همین راستا الگوی مدیریت اقتصادی حضرت یوسف در برنامه‌ریزی برای کاشت گندم و ذخیره مازاد آن برای سال‌های قحطی است^۴ که نشانگر اهمیت پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای تأمین نیازهای آینده است. (ر.ک، حسینی، سید رضا، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰-۱۶۵) بنابراین از نگاه اقتصاد خرد، داشتن پس‌انداز و

۱- قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (آل عمران: ۷۳)

الشَّيْطَانُ يَعْلَمُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعْلَمُكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره: ۲۶۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (مائده: ۵۴)

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور: ۳۲)

۲- وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (توبه، ۳۴)

۳- هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ (هود: ۶۱)

۴- قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سَبِيلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ (يوسف: ۴۷-۴۹)

مستغلات لازمه وسعت در معیشت و از نگاه کلان نیز تراز تجاری مثبت و رشد صادرات و همچنین افزایش پس انداز ملی و سرمایه گذاری از لوازم پیشرفت اقتصادی خواهد بود.

۵-۴- فقرزدائی و توانگری

در آیات قرآن کریم مفهوم پیشرفت اقتصادی گاهی در برابر فقر و گاهی در تضاد با اقتدار آمده است.

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
(بقره: ۲۶۸)

شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد و [لی] خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می‌دهد، و خداوند گشایشگر داناست.

در این آیه گشایش اقتصادی که از سوی خداوند به بندگان داده می‌شود در برابر فقر است. البته واضح است که قدر متیقن پیشرفت اقتصادی عدم فقر است و در نگاه اول به نظر می‌رسد تأثیر زیادی در معنانشناسی «پیشرفت اقتصادی» نداشته باشد اما دقت در کاربست واژه «وسع» در در بافت ویژه «لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا» که بارها در قرآن کریم تکرار شده است،^۱ روشن می‌سازد که مفهوم پیشرفت اقتصادی همبستگی شدید با تکلیف الهی

۱- وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّمَ الرِّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ (بقره: ۲۳۳)
عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَ (بقره: ۲۳۶)

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (بقره: ۲۸۶)

وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعِّدُوا اللَّهَ أَوْفُوا ذَلِكَمُ وَ صَاحِبِكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (انعام: ۱۵۲)

وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (اعراف: ۴۲)
وَ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ لَدُنَّا كِتَابٌ يُنطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يَطْمَئِنُونَ (مؤمنون: ۶۲)

يُنْفِقُ دُونَ سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قَدِرْ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلَْيُقِ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (طلاق: ۷)

در فقرزدایی دارد. بنابراین جامعه‌ای که نعدوستی و همبستگی اجتماعی میان آنان ضعیف باشد و عده‌ای ثروتمند نسبت به فقیران احساس وظیفه نکنند، در فرهنگ قرآن کریم پیشرفته تلقی نمی‌شود.

اما در آیه دیگری «وسع» را در برابر «اقتار» است که می‌تواند جنبه‌های معنایی بیشتری را از مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم روشن سازد.

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ (بقره: ۲۳۶)

هیچ گناهی بر شما نیست اگر زنان را طلاق دهید، مادامی که با آنان تماس نگرفته‌اید یا برایشان مهریه‌ای تعیین نکرده‌اید. و (در این هنگام با هدیه‌ای مناسب) بهره‌مندشان سازید. توانگر به اندازه [توانایی] اش و تنگدست به اندازه خودش کالایی (بعنوان هدیه‌ای) پسندیده بدهد. [و این کار] حقی بر عهده نیکوکاران است.

در این آیه ریشه وسع به عنوان اسم فاعل از باب افعال به معنای توانگر به کار رفته است. می‌توان ساخت معنایی واژه موسع را از واژه‌ای که در تقابل با آن به کار رفته است یعنی واژه مقتر فهمید.^۱ برخی مفسرین درباره ریشه اقتار دو احتمال داده‌اند؛ یا از «قتر» به معنای تنگ گرفتن در عمل اعم از انفاق و غیر آن است و یا از «قتر» به معنای غبار است^۲ و چون فقیر بر اثر تهیدستی غبار ذلت بر چهره اش می‌نشیند او را مقتر خوانده‌اند. (آیت الله جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۴۳۶) با توجه همنشینی این کلمه با متضادش یعنی «موسع» احتمال اول تقویت می‌شود که از ریشه «قتر» باشد نه «قتر». باید به این نکته نیز در معناشناسی اقتار توجه داشت که در قرآن کریم اقتار مترادف امساک از خرج کردن نیز آمده است:

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا (اسراء: ۱۰۰) بگو: «اگر (بر فرض) شما مالک منابع رحمت پروردگار من بودید در آن

۱- مقتر اسم فاعل باب افعال است.

۲- لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَ زِيَادَةٌ وَ لَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَ لَا ذِلَّةٌ (يونس: ۲۶)

دانش‌نشان‌شناسی و مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم ۲۱۳

صورت، از بیم مصرف کردن (و فقر)، حتماً (از بخشش) خودداری می‌کردید و انسان بخیل است»

اقتار همچنین در مقابل و تضاد با مفهوم اسراف و حد قوام (متعادل) نیز آمده است:

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان: ۶۷)

و کسانی که هر گاه (اموال خود را در راه خدا) مصرف می‌کنند، زیاده روی نمی‌کنند، و تنگ نمی‌گیرند، و (انفاق آنان روشی) معتدل بین آن [دو] است.

در دو مورد پیش‌گفته نوعی بخل و خودداری از بخشش به رغم دارایی فهمیده می‌شود. اما در آیه مورد نظر (بقره: ۲۳۶) عدم بخشش در نتیجه فقر است. بنابراین معنای اصلی اقتار عدم خرج کردن به خاطر وجود مانع است چه مانع بیرونی مانند فقر باشد و چه مانع درونی مانند بخل باشد. پس موسع در تقابل با اقتار به معنای کسی است که دارا است و مانعی برای خرج کردن ندارد. (ر.ک شیخ طوسی، محمد بن حسن، ج ۲، ص: ۲۶۹)

بنا بر این مفهوم پیشرفت اقتصادی فراتر از توانگری و عدم فقر اقتصادی است و به نوعی قدرت دسترسی به اموال و اعمال اراده بر انتقال و مبادله آن نیز در آن اشراب شده است. به عبارت دیگر اولاً باید جامعه به اندازه نیازش محصولات و ثروت و دارایی داشته باشد تا فقیر محسوب نشود و ثانیاً قدرت اعمال اراده بر اموالش را نیز داشته باشد. به عنوان مثال اگر جامعه‌ای دارای اموال و امکانات زیادی باشد اما نتواند در موقع لازم از آن اموال استفاده کند مثل اینکه در حسابهای خارجی ذخیره کرده باشد که به راحتی بلوکه شود، نمی‌تواند پیشرفته قلمداد شود.

۵-۵- پیشرفت همه جانبه و زندگی آسان

یکی دیگر از جنبه مهم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم، آسایش و آرامش خاطر در جریان زندگی روزمره است. جانشینی واژه «یُسْر» و «سعه» در قرآن کریم می‌تواند کمک بزرگی به ما در شناخت این جنبه از مفهوم پیشرفت اقتصادی در فرهنگ قرآن کریم کند:

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُتَّقِ اللَّهَ فَمَا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (طلاق: ۷)

بر توانگر است که از توانگری اش [همسر بچه‌دارش را در ایام عدّه] هزینه دهد، و هر که رزق و روزی اش تنگ باشد از همان که خدا به او عطا کرده هزینه دهد. خدا هیچ کس را جز به اندازه رزقی که به او عطا کرده است، تکلیف نمی‌کند. خدا به زودی پس از سختی و تنگنا فراخی و گشایش قرار می‌دهد.

در این آیه کسی که در تنگنا است (مَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ) در مقابل «ذوسعه» است و نتیجه تفضل خداوند بر او اینست که پس از این سختی، «یُسْر» برایش محقق خواهد شد یعنی از تنگنا در می‌آید و «ذوسعه» می‌شود. پس در این آیه دو واژه «یُسْر» و «سعه» به صورت بافت معنایی جانیشینی دو مترادف به کار رفته‌اند. کاوش معنای «یُسْر» می‌تواند عناصری از مفهوم «سعه» را مشخص کند. «یُسْر» به معنای «سهولت» و «آسایش» است. به همین جهت جمله «یسرت الغنم» کنایه از فراوانی شیر و اولاد گوسفند است و همچنین به «قمار» «میسر» گفته می‌شود زیرا راه آسانی برای کسب درآمد در زمان کوتاه است. (ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ۲۹۵)

در قرآن کریم آسایش جسمی^۱، روحی، روانی^۲، معیشتی^۳ و ... همگی با واژه «یسر» بیان شده است. از ترادف واژه «یسر» و «سعه» به خوبی می‌توان دریافت در فرهنگ قرآن کریم پیشرفت همه جانبه که در آن آسایش و آرامش در همه ابعاد مادی و معنوی زندگی فراهم باشد، مد نظر است. در همین راستا مفهوم «معیشت ضنک» نیز در مقابل «یُسْر» به کار رفته است:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى (طه: ۱۲۴)

۱- مِنْ نُطْقِهِ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَةً (عبس: ۲۰)

۲- وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى (ليل: ۱۰) يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ (بقره: ۱۸۵)

۳- وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ (بقره: ۲۸)

و هر کس از یاد من روی گرداند، پس حتماً زندگی (سخت و) تنگی برای اوست و او را روز رستاخیز نابینا گرد می‌آوریم.

ضنک به دو معنای «تنگنا و سختی و مشقت» و «مرض» است که بیشتر در مورد بیماری زکام و سرماخوردگی به کار رفته است. اگر چه بیماری از مصادیق «تنگنا و سختی و مشقت» است اما نوعی کلافه شدن نیز در معنای ضنک اشراب شده است به همین جهت «مضنوک» به معنای سرماخورده گفته می‌شود که در اثر التهاب مجاری تنفسی و سایر عوارض دچار نوعی کلافگی می‌شود و «مرأه ضناک» به معنای زنی است که گوشت بالا آورده و از حالت طبیعی خارج شده و چابک نیست و «ابل ضناک» شتری است که به سختی راه می‌رود و از بقیه عقب افتاده است. در همه این موارد سختی همراه با کلافگی دیده می‌شود. (ر.ک مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۴۳-۴۴)

اگر چه بنا بر معنای دوم، توسعه بهداشت و درمان از لوازم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم شمرده شده است لیکن توجه به مفهوم کلی «ضنک» ابعاد بیشتری را از پیشرفت اقتصادی روشن می‌سازد و آن توجه به معنویت و یاد خدای متعال است. اگر پیشرفت‌های مادی و دنیایی با فراموشی یاد خدای متعال همراه گردد، نتیجه‌اش نابودی آسایش و آرامش حقیقی انسان‌هاست. امروزه رتبه نخست کشورهای صنعتی در میزان افسردگی و خودکشی بهترین شاهد بر این معنا است که توسعه ظاهری امکانات مادی بدون ارتقاء خدامحوری، نه تنها آسایش و آرامش معیشتی به ارمغان نیاورده است بلکه حاصلی جز معیشت ضنک و بن بست در زندگی نداشته است. (ر.ک پوریوسفی، حمید، ۱۳۸۴، ص ۷۳-۷۵)

یاد آور می‌شوم نظام اجتماعی از خرده نظام‌هایی تشکیل شده است که به طور پویا به یکدیگر متصل و مرتبطند. باید توجه داشت رشد و توسعه در هر قسمت، بر قسمت‌های دیگر نیز اثرگذار است. توزیع عادلانه درآمد، محیط زیست، فضای مذهبی، فرهنگ، دانش و ... همگی عواملی هستند که در آسایش و آرامش جامعه نقش بسزایی دارند.

بدین جهت پدید آمدن «یُسر» در جامعه در گرو پیشرفت همزمان و مرتبط بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، علمی، فناوری و زیست محیطی است. همین مفهوم را می‌توان از عبارت «حیات طیبه» در قرآن کریم نیز استفاده کرد:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل: ۹۷)

هر کس از مرد و زن عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد او را زندگی نیکو دهیم و پاداششان را بهتر از آنچه عمل می‌کرده‌اند می‌دهیم.

«طیب» به حالت مطلوبی گفته می‌شود که در مقابل خباثت و آلودگی است. این واژه به حسب موضوعات مختلف مانند طعام، عیش، زوجه، کلام، شجره و ... معانی متفاوتی پیدا می‌کند که همگی به خالی بودن از آلودگی ظاهری و باطنی بر می‌گردد. (مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، ج ۷، ص: ۱۵) حیات طیبه در دنیا نیز اشاره به جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود، و به دور از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار و ظلم و طغیان و هوا پرستی و انحصارطلبی پدید می‌آید. (آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۸)

۵-۶- محیط زیست

یکی دیگر از واژگان دخیل در حوزه معنایی پیشرفت اقتصادی، واژه استعمار است. خدای متعال «آبادسازی زمین» را به عنوان یکی از خواسته‌های خود از بشر مطرح می‌کند:

هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهٗ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ (هود: ۶۱)

و شما را از زمین به وجود آورد و از شما خواست که در آن آبادانی کنید بنابراین از او آمرزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید زیرا پروردگام [به بندگانش] نزدیک و اجابت‌کننده دعای آنان است

دانش نشانه‌شناسی و مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم ۲۱۷

ریشه «عمر» به معنای ادامه حیات است البته ادامه حیات در هر چیزی به حسب خودش است به عنوان مثال در مورد زمین، عمران به معنای شخم کردن زمین برای زراعت و درختکاری، یا کندن نهرها و قناتها و یا احداث بناهایی محکم با طول عمر زیاد است:^۱

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ
أَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا (روم: ۹)

آیا در زمین نگردیده‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بوده است؟ آنها بس نیرومندتر از ایشان بودند، و زمین را زیر و رو کردند و بیش از آنچه آنها آبادش کردند آن را آباد ساختند.

انسانی که در این الگو تربیت می‌شود به زندگی چنان نگاه می‌کند که گویی همیشه زنده است و چنان عمل می‌کند که اگر عمل او پیامدی، ولو در هزار سال بعد هم، داشته باشد به سرنوشت او مربوط می‌شود و باید در محاسبات سود و زیان کارهای خود لحاظ کند و از آن جایی که دین او این اجازه را نمی‌دهد که برای رسیدن به منافع خود زبانی به دیگران و یا منافع نسل‌های بعدی وارد کند اقدام به اسراف و تبذیر و مانند آن که تخریب محیط زیست را به دنبال داشته باشد.^۲

بنا بر این یکی دیگر از جنبه‌های معنایی پیشرفت اقتصادی در فرهنگ قرآن کریم نگاه بلند مدت به سرمایه‌های طبیعی، انسانی، فیزیکی و مالی است به گونه‌ای که با برنامه ریزی دقیق، طول عمر این سرمایه‌های خدادادی تا جایی که می‌شود افزایش یابد. شایان ذکر است تداوم سرمایه‌گذاری اقتصادی در جهت تأمین معاش آینده و افزایش قدرت اقتصادی که قبلاً بدان اشاره شد از مصادیق استعمار و آبادانی نعمت‌های الهی است.

۱- ر.ک مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۲۲۱

۲- وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره: ۲۰۵)

۵-۷- ثبات و اقتدار

یکی دیگر از واژه‌هایی که در قرآن کریم در حوزه معنایی مفهوم پیشرفت اقتصادی به کار رفته است، واژه «تمکن» است. اگرچه در آیاتی این واژه به معنای مطلق سلطه و استقرار به کار رفته است (أنفال: ۷۱، یوسف: ۲۱، یوسف: ۵۶، کهف: ۸۴، حج: ۴۱، مؤمنون: ۱۳، نور: ۵۵، مرسلات: ۲۱، تکویر: ۲۰) اما در آیاتی نیز سلطه و اقتدار در ارتباط با امور اقتصادی است:

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (أنعام: ۶)

آیا اطلاع نیافته‌اند که پیش از آنان چه بسیار، گروه‌هایی را هلاک کردیم؟! که در زمین به آنان امکاناتی دادیم، که برای شما آنچنان امکاناتی فراهم نکردیم و [باران‌های] پی در پی آسمان را بر آنان فرستادیم و نه‌رهایی قرار دادیم، که از زیر (شهرهای) آنان روان باشد و آنان را بخاطر پیامدهای (گناهان) شان هلاک ساختیم و گروه‌های دیگری بعد از آنان پدید آوردیم.

در این آیه جمله «وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ» قرینه برای اینست که منظور از «مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ» تمکن اقتصادی است. واژه «قرن» به معنای معنی دوره زمانی طولانی مثلاً صد ساله نیست بلکه به معنای قوم و جمعیتی است که در یک زمان قرار دارند. (راغب اصفهانی، محمد بن حسین، ۱۴۱۲، ص ۶۶۷) این آیه اشاره به زندگانی افسانه‌ای و ناز و نعمت فراعنه مصر، و ملوک سبا، سلاطین کلده و آشور، قیصرهای روم و اقوامی همچون عاد و ثمود دارد که عواقب دردناکی که بر اثر کفر و بیدادگری طومار زندگانی آنها را در هم پیچید.

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ (أعراف: ۱۰)

و تحقیقاً در زمین به شما امکاناتی دادیم، و برای شما در آن وسایل زندگی قرار دادیم چه اندک سپاسگزاری می‌کنید.

در این آیه نیز عبارت « وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ » نشانگر اینست که تمکن اقتصادی در زمین مقصود است.

وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَ لَنَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (یوسف: ۵۶)

و این گونه یوسف را در سرزمین (مصر) امکانات دادیم، که هر کجا می‌خواهد در آن جای‌گزیند رحمتان را به هر کس بخواهیم (و شایسته بدانیم) می‌رسانیم و پاداش نیکوکاران را تباه نخواهیم کرد.

در این آیه نیز با توجه به آیه قبل که حضرت یوسف درخواست سرپرستی منابع اقتصادی کرد^۱ فهمیده می‌شود خدای متعال به او تمکن اقتصادی داده است.

معنای اصلی ریشه «مکن» استقرار با قدرت است که عظمت و سلطنت و تسهیل امور از آثار آن است. (مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۱۵۰) تمکن اقتصادی در آیات پیش گفته نیز به معنای استیلاء و قدرت اقتصادی همراه با ثبات است.

ثبات اقتصادی به معنای عدم نوسانات شدید در مؤلفه‌های کلان اقتصادی همچون نرخ تورم، نرخ ارز، دوره‌های تجاری و سیاستها و قوانین است. امروزه در علم اقتصاد چه از نظر تحلیلی و چه از نظر تجربی اثبات شده است که کشورهایی که از محیط با ثبات اقتصاد کلان برخوردار بوده‌اند، توانسته‌اند نرخ رشد بیشتر، پس‌انداز داخلی بیشتر و سرمایه‌گذاری خصوصی بالاتری نسبت به کشورهای بی‌ثبات داشته باشند. (گرجی، ابراهیم، ومدنی، شیما، ۱۳۸۲، ص ۳-۶) و این بدین معناست که قدرت اقتصادی ایشان نیز بیشتر از کشورهای بی‌ثبات است.

رشد پایدار

یکی از اصطلاحاتی که در قرآن کریم در حوزه معنایی «پیشرفت اقتصادی» به کار رفته است «فتح برکات» است:

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ (اعراف: ۹۶)

۱- قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ (یوسف: ۵۵)

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم

معنای اصلی «برک» ثبات و پایداری است (ابن فارس، أحمد، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۷) برکات جمع برکت به معنای «خیرات در حال فزونی» است. (طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، ج ۴، ۶۹۹) نکته مهم اینست که در آیه پیش گفته برکات آسمان و زمین مطرح شده است. این مفهوم شامل مصادیق معنوی و مادی همچون امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد می‌شود. (طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۲۰۱)

بنابراین در مفهوم واژه «برکات» دو عنصر «خیر» و «فزونی» لحاظ شده است. در فرهنگ قرآن کریم تنها تولیداتی «خیر» محسوب می‌شوند که پاک، حلال، سالم و با کیفیت باشند. (ر.ک. توکلی، محمدجواد، شفیع‌نژاد، عباس، ۱۳۹۱، ص ۲۹-۵۳) عنصر دوم مفهوم فزونی است که نشانگر مطلوبیت رشد و افزایش مدام کالاهای طیب و خیر در فرهنگ قرآن کریم است.

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های دانش نشانه‌شناسی واژگان یک زبان در حوزه‌های لغوی یا مفهومی، سامان پیدا می‌کنند و واژگان هر حوزه از ساختار منسجمی برخوردارند. بر این اساس هر یک از واژگان کانونی قرآن مجید، یک میدان معناشناسی دارند که در تداخل این میدان‌ها و ارتباط میان آن‌ها، مفاهیم و معانی کلمات قرآن بهتر و دقیق‌تر شناخته می‌شوند. بر این پایه معنای یک واژه در تقابل، تقارن و مترادف عبارات و همنشینی با واژه‌های دیگر در قرآن باید کشف شود.

واژه‌های «سعه»، «استعمر»، «تمکن»، «فتح برکات» و «تمتع»؛ واژگان کانونی حوزه معنایی پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم را تشکیل می‌دهند. با بررسی عناصر و جنبه‌های معنایی این واژگان در همنشینی با «مراعَم»، «غنا»، و «فضل» و جانشینی با «یسر» و تقابل با

دانش‌نشان‌شناسی و مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم ۲۲۱

«بطر»، «فقر»، «اقتار» و «معیشة ضنك»؛ مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در فرهنگ قرآن کریم به دست می‌آید:

۱- هم‌نشینی واژه «سعه» و «مراعَم» نشانگر اینست که در فرهنگ قرآن کریم پیشرفت اقتصادی همراه با امنیت پایدار در امور مادی و معنوی است به گونه‌ای که مانعی از تعالی و رشد و کسب فضایل در امور مادی و معنوی نباشد.

۲- هم‌نشینی واژه «سعه» با «غنا» و نزدیکی معنایی با واژه «تمتع» نشانگر این است که پیشرفت اقتصادی از سویی باید مشتمل بر تأمین تمامی نیازهای واقعی اعضای جامعه باشد و از سوی دیگر با نوعی سرور و شادی و نشاط همراه باشد. شرط لازم نشاط و شادابی حقیقی؛ گناه نکردن، توکل، تقوا، نועدوستی، حسن خلق، عقلانیت و هدفمندی در زندگی و دوری از نخوت و سرمستی ناشی از ثروت و دنیازدگی است که از تقابل با واژه «بطر» به دست می‌آید.

۳- هم‌نشینی واژه «سعه» با «فضل» در آیات متعدد نشانگر اینست که تراز تجاری مثبت و رشد صادرات و همچنین افزایش پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری از لوازم پیشرفت اقتصادی است.

۴- تقابل واژه «سعه» با واژه «فقر» نشانگر اینست که مفهوم پیشرفت اقتصادی همبستگی شدید با تکلیف الهی در فقرزدایی دارد. بنابراین جامعه‌ای که نועدوستی و همبستگی اجتماعی میان آنان ضعیف باشد و عده‌ای ثروتمند نسبت به فقیران احساس وظیفه نکنند، در فرهنگ قرآن کریم پیشرفته تلقی نمی‌شود.

۵- تقابل واژه «سعه» با واژه «اقتار» ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که اولاً باید جامعه به اندازه نیازش محصولات و ثروت و دارایی داشته باشد تا فقیر محسوب نشود و ثانیاً قدرت اعمال اراده بر اموالش را نیز داشته باشد. اگر جامعه‌ای دارای اموال و امکانات زیادی باشد اما نتواند در موقع لازم از آن اموال استفاده کند مثل اینکه در حسابهای خارجی ذخیره کرده باشد که به راحتی بلوکه شود، پیشرفته قلمداد نمی‌شود.

۶- ترادف واژه «یُسْر» و «سعه» و تقابل آنها با واژه «ضنك» نشانگر اینست که در فرهنگ قرآن کریم پیشرفت همه جانبه که در آن آسایش و آرامش در همه ابعاد مادی و معنوی زندگی فراهم باشد، مد نظر است.

۷- کاربست واژه «استعمر» در حوزه معنایی پیشرفت اقتصادی نشانگر این معناست که پیشرفت اقتصادی در فرهنگ قرآن کریم با نگاه بلند مدت به سرمایه های طبیعی، انسانی، فیزیکی و مالی توأم است به گونه ای که با برنامه ریزی دقیق، طول عمر این سرمایه های خدادادی تا جایی که امکان دارد افزایش یابد.

۸- واژه «تمکن» در حوزه معنایی پیشرفت اقتصادی، مؤلفه ثبات و اقتدار را تقویت می کند.

۹- عبارت «فتح برکات» نشانگر نشانگر مطلوبیت رشد و افزایش مدام کالاهای طیب و خیر در مفهوم پیشرفت اقتصادی در فرهنگ قرآن کریم است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، بیروت، مکتبه الإعلام الإسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت، دار الفکر.

اخترشهر، علی (۱۳۸۶)، اسلام و توسعه، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۸)، مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز.

پوریوسفی، حمید (۱۳۸۴)، «بررسی میزان، علل و انگیزه های خودکشی در ایران و

جهان»، مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، پیش شماره ۵، صص ۶۸-۸۴.

دانش‌نشان‌شناسی و مؤلفه‌های مفهوم پیشرفت اقتصادی در قرآن کریم ۲۲۳

- توکللی، محمد جواد (۱۳۹۰)، «روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفت‌وگو قرآنی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، شماره ۴، صص ۵۶-۳۱.
- توکللی، محمد جواد و عباس شفیعی‌نژاد (۱۳۹۱)، «شاخص تولید خالص داخلی طیب»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، شماره ۶، صص ۲۹-۵۳.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *تفسیر تسنیم*، قم، نشر اسراء.
- حسینی، سید رضا (۱۳۸۸)، *الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسینی، سید رضا (۱۳۸۸)، «تحلیل کنز از دیدگاه فقه و اقتصاد»، *مجله معرفت اقتصاد اسلامی*، شماره ۱، صص ۸۳-۱۱۲.
- حسینی، سید رضا (۱۳۹۱)، «توسعه کوثری در چهارچوب اخلاق الهی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی»، *فصلنامه حکمت اسراء*، شماره ۱۳، صص ۹۴-۶۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق-بیروت، دارالعلم الدار الشامیة.
- زریباف، سید مهدی (۱۳۸۶)، «نظری بر اندیشه توسعه عدالت محور»، *مجله پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۴۱ و ۴۲، صص ۳۵-۶۶.
- شهیدی، سید مهدی (۱۳۸۸)، «معناشناسی واژه استکبار در قرآن کریم بر مبنای نظریه ایزوتسو»، *مجله معرفت*، شماره ۱۴۳، صص ۱۲۷-۱۳۶.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن، *التیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبائی، سید محمدرضا (۱۳۶۱)، *صرف ساده*، قم، دارالعلم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۹۲)، «پارادایم تعالی و مؤلفه‌های الگوی پیشرفت و توسعه»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، صص ۸۷-۱۱۳.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)، *کتاب العین*، قم، انتشارات هجرت.

۲۲۴ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۵۶

گر جی، ابراهیم، شیما مدنی (۱۳۸۲)، «بررسی نقش ثبات اقتصادی بر عملکرد رشد اقتصادی ایران با روش سیستم معادلات همزمان»، مجله پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۸ (علمی-پژوهشی)، صص ۱-۲۴.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۰)، *التنمية الاقتصادية في الكتاب و السنة*، قم، دارالحدیث. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، *تکامل اجتماعی انسان*، قم، صدرا، بی تا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.

میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۲)، «مفهوم الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، صص ۱۷-۵۹.

هندی، متقی بن حسام الدین (۱۴۰۵)، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، بیروت، مؤسسه الرسالة.

یوسفی، احمد علی (۱۳۸۶)، *اقتصاد علوی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Chandler, Daniel (2004), *Semioticst the Basics*, London: Routledge